

آثار ترک حج در دنیا و آخرت

حسن ترکاشوند*

چکیده

از دغدغه‌های انسان مؤمن و متعهد، انجام وظایف و تکالیف دینی، برای در امان ماندن از عواقب سوء دنیوی و اخروی ترک وظیفه است. از تکالیف مهم دینی مسلمان، مستطیع، به جا آوردن حج و زیارت خانه خدا است که آثار و برکات متعدد روحی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و... به دنبال دارد. در عین حال، باید بدانیم که بی‌اعتنائی و سهل‌انگاری در انجام این واجب، آثار و تبعات سوء دنیوی و اخروی متعددی را در پی دارد. در این مقاله، ضمن تبیین و تحلیل روایات معصومان علیهم‌السلام، روشن می‌شود که ترک این فریضه الهی، آثار سوء دنیوی متعددی دارد؛ مانند محروم شدن از خیر، بی‌نتیجه بودن کارهای دنیوی، هلاکت و گرفتار شدن به عذاب و خروج از عدالت و فاسق شدن. همچنین آثار و عواقب سوء اخروی؛ مانند قرار گرفتن در صف کفار، محسور شدن با یهودیان یا مسیحیان، محروم شدن از شفاعت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، نابینا و کور محسور شدن و زیان کار بودن در قیامت است.

کلیدواژگان: ترک حج، آثار سوء دنیوی، آثار سوء اخروی

*. استاد سطح عالی حوزه و عضو گروه کلام و معارف پژوهشکده حج و زیارت:

kalam.32914048@gmail.com

از مهم‌ترین دستورهای اسلام، زیارت خانه خدا و انجام حج است. هر فرد مسلمان در صورت داشتن شرایط خاص؛ مانند بلوغ، عقل، استطاعت مالی و...، مکلف به انجام حج است و باید دست کم یک بار در طول عمر، این عمل واجب را به جا آورد. حج، از برنامه‌های مهم، متعالی و مورد تأکید اسلام است. در قرآن کریم، آیات بسیاری درباره حج سخن گفته و سوره‌ای نیز به همین نام وجود دارد. همچنین بیش از نه هزار روایت درباره حج و احکام و اعمال آن نقل شده که در برخی از آنها، حج پس از نماز، برتر از تمام عبادت‌ها معرفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۵۴). همین اهمیت و جایگاه، سبب شده است که حج، در فروع دین جای گیرد (طیب، ۱۳۷۸ش، ج ۶، ص ۲۹۶).

مهم‌ترین و سودمندترین حکمت حج، اظهار عبودیت و بندگی به پیشگاه خداوند متعال است که این امر در تمام اعمال حج نظیر احرام و طواف و سعی و قربانی و... مشهود و مشخص است. حج گزار با احرام و قطع وابستگی‌هایش از تعلقات مادی و دنیوی، از تمام قیود و وابستگی‌های خسران‌آور رها شده، آماده عروج و پرواز در فضاهاى معنوی و عرفانی می‌گردد.

همچنین حج، نمایشی عظیم از وحدت جامعه اسلامی است. هر مسلمانی موظف است با رها شدن از همه قید و بندهای زندگی و پرهیز از همه روزمرگی‌ها در این نمایش عظیم شرکت کند. در حقیقت، مراسم حج و خانه خدا و قبله مشترک تمام مسلمانان، پیوند دهنده مسلمانان به یکدیگر و بهترین وسیله وحدت میان آنهاست. روح عبادت، توجه به خدا، روح سیاست، توجه به خلق خدا، یک‌رنگی و یکسان بودن پوشش، حرکت منظم و دسته‌جمعی و انجام اعمال و عبادات به سوی یک نقطه (قبله و خانه خدا) و... آن‌چنان به هم آمیخته‌اند که گویا مسلمانان، اعضای یک پیکرند و در این میان، دل‌های مسلمانان بیشتر از هر زمانی به یکدیگر نزدیک است. حج، عامل بسیار مؤثری برای وحدت دل‌های مسلمانان از نژادها و طبقات مختلف است؛ به گونه‌ای که تعصب‌های ملی، قومی و نژادپرستی و همچنین محدودیت مرزهای جغرافیایی را از بین می‌برد. همه ساله، مسلمانان کنار هم در یک محل و با اعمالی مشترک گرد هم می‌آیند و با شعارها و انجام مراسم عبادی و سیاسی، به ریسمان الهی

چنگ می‌زنند و از اجتماع عظیم حج بهره‌های فراوانی می‌برند؛ چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ * لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾ (حج: ۲۷-۲۸).

«و مردم را دعوت عمومی به حج کن تا پیاده و سواره بر مرکب‌های لاغر از هر راه دور (به سوی خانه خدا) بیایند * تا شاهد منافع گوناگون خویش (در این برنامه حیات بخش) باشند.» اما متأسفانه، به رغم اهمیت و جایگاه بلندی که فریضه حج دارد، برخی می‌خواهند در این واجب بزرگ، به بهانه‌های مختلف تردید ایجاد کنند؛ چنان‌که گاهی به دلیل حوادث ناگواری که در ایام حج در عربستان پیش آمده است، گاهی به دلیل فقر و نداری قشری از جامعه، گاهی به این دلیل که فرقه‌ای افراطی و خشن به نام وهابیت بر حرمین شریفین حاکم است یا به بهانه‌های واهی دیگر، هجمه و تبلیغاتی سوء علیه این واجب الهی به راه می‌اندازند و رفتن زائران به بیت‌الله الحرام را منع می‌کنند و جایگزینی عمل خیر دیگری مانند احسان و دستگیری از مستمندان و... را پیشنهاد می‌کنند. این در حالی است که افرادی که چنین پیشنهادهایی را می‌کنند، معمولاً نه اهل عبادت‌اند و نه برای رفع حوائج گرفتاران و مستمندان اقدام می‌کنند؛ در حالی که افراد متدین و باایمان، معمولاً ضمن توجه به تکالیف شرعی، اهل گره‌گشایی از مشکلات دیگران و رسیدگی به امور مستمندان نیز هستند؛ زیرا همه این امور، مورد توجه و سفارش دین و شریعت اسلام است. به علاوه، به این نکته نیز باید توجه داشت که برخلاف برخی عبادات که باید در زمانی خاص انجام شود، به دلیل مانع، عمل دیگری جایگزین آن می‌شود؛ اما حج از تکالیفی است که هیچ عمل دیگری جایگزین آن نمی‌شود و هزینه کردن مخارج آن برای عمل خیر دیگری، خلأ آن در پرونده، اعمال انسان را پُر نمی‌کند. امام صادق (علیه السلام) در این باره می‌فرماید:

«لَمَّا أَفَاضَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ تَلَقَّاهُ أَعْرَابِيٌّ فِي الْأَبْطَحِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ إِنِّي خَرَجْتُ أُرِيدُ الْحَجَّ فَعَاقَنِي عَائِقٌ وَ أَنَا رَجُلٌ مَلِيٌّ كَثِيرُ الْمَالِ فَمُرْنِي أَنْ أَصْنَعَ فِي مَالِي مَا أَبْلُغُ مَا بَلَغَ الْحَاجُّ قَالَ فَالتَمَتَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَى أَبِي قُبَيْسٍ فَقَالَ لَوْ أَنَّ أَبَا قُبَيْسٍ لَكَ زَنْتَهُ ذَهَبٌ حَمْرَاءُ أَنْفَقْتَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَا بَلَغْتَ مَا بَلَغَ الْحَاجُّ...» (مجلسی، ۱۴۰۴ق،

ج ۹۶، ص ۲۶).

«زمانی که رسول با کرامت اسلام به حج خود پایان داد، شخصی در سرزمین مکه با حضرت روبه‌رو شد و گفت: ای پیامبر خدا، از منزلم به نیت حج بیرون آمدم، ولی مانعی بر سر راهم قرار گرفت و مرا از زیارت بیت و مناسک آن بازداشت، درحالی که دستم از ثروت و مکنت پُر است. اکنون مرا امر کن که مالم را در برنامه‌ای هزینه کنم تا به ثوابی که حاجیان به آن رسیده‌اند، دست یابم. حضرت رو به جانب کوه ابوقییس کردند و فرمودند: اگر به وزن آن طلای سرخ در راه خدا انفاق کنی، به آنچه حاجیان از ثواب رسیدند، نمی‌رسی.»

این محرومیت، به دلیل ترک غیر عمدی حج است؛ درحالی که ترک عمدی این واجب، به طریق اولی آثار و تبعات سوئی به دنبال دارد. در ادامه، به برخی آثار سوء دنیوی و اخروی ترک گفتن حج که در روایات ائمه معصوم علیهم‌السلام آمده، اشاره می‌شود.

آثار دنیوی ترک حج

۱. محروم شدن از خیر

بنابر روایات، حج گزاری فقر را می‌زداید و نیازهای دنیوی را برآورده می‌سازد؛ «إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى إِلَهُهُ الْإِيمَانُ بِهِ وَبِرَسُولِهِ... وَحَجُّ الْبَيْتِ وَاعْتِمَارُهُ فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۶۳، خطبه ۱۱۰). اما ترک عمدی حج، باعث می‌شود که خیری در امور دنیوی نباشد. در روایتی از امام صادق علیه‌السلام آمده است ترک کردن بی دلیل فریضه حج، موجب می‌شود کارهای دنیوی و مادی که برای آنها حج ترک شده است، خیر و برکتی نداشته باشند.

«عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام قَالَ: قَالَ لِي مَا لَكَ لَا تَحُجُّ فِي الْعَامِ، فَقُلْتُ: مُعَامَلَةٌ كَانَتْ بَيْنِي وَبَيْنَ قَوْمٍ وَأَشْغَالٌ وَعَسَى أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ خَيْرَةً فَقَالَ لَا وَاللَّهِ مَا فَعَلَ اللَّهُ لَكَ فِي ذَلِكَ مِنْ خَيْرَةٍ ثُمَّ قَالَ مَا حُبِسَ عَبْدٌ عَنْ هَذَا الْبَيْتِ إِلَّا بِذَنْبٍ وَ مَا يَعْفُو أَكْثَرُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۷۰).

«سماعه نقل می‌کند: امام صادق علیه‌السلام به من فرمود: چرا امسال به حج نمی‌روی؟

گفتم: میان من و قومی، داد و ستد و کارهایی بوده و امیدوارم که در آن خیری باشد. حضرت فرمود: نه به خدا سوگند! خداوند در آن برای تو خیری قرار نمی دهد. سپس فرمود: «هیچ بنده ای از زیارت این خانه محروم نمی شود؛ مگر به خاطر گناهی و آنچه خداوند می بخشاید، بیشتر است.»

در این روایت، سخن از این نیست که راوی بی اعتنا به حج بوده و نگاه منفی به آن داشته؛ بلکه سخن در این است که حتی اگر شخصی، در عین اعتقاد و توجه به حج، آن را برای کار مادی دیگری ترک کند و آن را به موقع انجام ندهد، خداوند در آن کار مادی، خیری برای او قرار نخواهد داد.

۲. بی نتیجه بودن کارهای دنیوی

هر کس به گمان رسیدن به دنیا و رفع مشکل دنیوی به مکه نرود، خداوند چنان او را در کارش ناموفق می کند که حاجیان، مناسک خود را انجام داده و به مرز تمام کردن حج رسیده اند؛ ولی او هنوز مشکلش را برطرف نکرده است. در برخی روایات، نقل شده است کسی که برای کار دنیا حج را ترک کند، تا زمانی که حجاج بر می گردند، کار او به نتیجه نخواهد رسید و او به مطلوبش دست نخواهد یافت.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرمایند:

«كَانَ فِي وَصِيَّةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام ... مَنْ تَرَكَ الْحَجَّ لِحَاجَةٍ مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا لَمْ تُقْضَ حَتَّى يَنْظُرَ إِلَى الْمُحَلِّقِينَ» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۸۸).

«در وصیت امیر مؤمنان علیه السلام چنین بود: هر کس حج را به سبب حاجتی دنیوی ترک کند تا زمانی که حاجیان را می بیند (که از حج بازگشته اند)، حاجت او برطرف نشده و به مقصود خود نرسیده است.»

همچنین از پنجمین امام شیعیان، حضرت امام باقر علیه السلام، روایت شده است که فرمودند:

«مَا مِنْ عَبْدٍ يُؤْتِرُ عَلَى الْحَجِّ حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا إِلَّا نَظَرَ إِلَى الْمُحَلِّقِينَ قَدْ أَنْصَرَفُوا قَبْلَ أَنْ تُقْضَى لَهُ تِلْكَ الْحَاجَةُ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۲۰).

«هیچ بنده ای نیست که کاری از کارهای دنیا را بر حج مقدم بدارد، مگر آنکه

حاجیان سر تراشیده را خواهد دید (که از حج برگشته اند) پیش از آنکه نیاز دنیایی او برطرف شده باشد.»

مرحوم شیخ حرّ عاملی، این روایت را در باب کراهت تأخیر در حج مستحب ذکر کرده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۱۳۶)؛ یعنی حتی اگر کسی حج استحبابی را برای امر دنیوی ترک کند، به مقصودش نمی رسد چه رسد به ترک حج واجب که به طریق اولی نیاز و حاجت مادی شخص برطرف نخواهد شد.

۳. گرفتار شدن به عذاب و هلاکت

در برخی روایات، متروک ماندن کعبه و ترک حج، موجب هلاکت جامعه اسلامی و نزول عذاب خدا است که مهلتی برای رهایی از آن نیست. به مردم هشدار داده شده که حج خانه خدا را ترک نکنید؛ زیرا عاقبت چنین کاری گرفتار شدن به عذاب و هلاکت است.

ابوبصیر از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمودند:

«أَمَّا إِنَّ النَّاسَ لَوْ تَرَكُوا حَجَّ هَذَا الْبَيْتِ لَنَزَلَ بِهِمُ الْعَذَابُ وَمَا نُظِرُوا».

«بدان که اگر مردم حج این خانه (بیت الله الحرام) را ترک کنند، عذاب بر آنان نازل خواهد شد و به آنها مهلت داده نمی شود.» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۲۲).

همچنین از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند:

«كَانَ فِي وَصِيَّةِ عَلِيِّ (ع) لَا تَدْعُوا حَجَّ بَيْتِ رَبِّكُمْ فَتَهْلِكُوا».

«در وصیت امیر مؤمنان (ع) چنین بود: حج خانه پروردگارتان را ترک نکنید، که هلاک خواهید شد.» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۸۸).

در این روایت، اثر سوء ترک حج، هلاکت معرفی شده که به معنای ضایع شدن و تباه گشتن و فنا و نیستی فرد است؛ طوری که اثری از نسل او باقی نماند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، صص ۸۴۴-۸۴۳).

در روایاتی دیگر آمده است: اگر همه مردم با هم حج را ترک کنند، هلاک خواهند شد و اگر برخی این واجب الهی را به جای آورند، خداوند به خاطر آنها عذاب و هلاکت را از دیگران دفع می کند. امام صادق (ع) در این باره می فرماید:

«وَإِنَّ اللَّهَ لَيَدْفَعُ بِمَنْ يَحُجُّ مِنْ شِيعَتِنَا عَمَّنْ لَا يَحُجُّ، وَلَوْ اجْتَمَعُوا عَلَى تَرْكِ الْحُجِّ هَلَكُوا؛ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - : ﴿وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾، فَوَاللَّهِ مَا نَزَلَتْ إِلَّا فِيكُمْ، وَلَا عَنِّي بِهَا غَيْرُكُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۵۱).

«همانا خداوند به خاطر کسی از شیعیان ما که حج می‌گزارد، بلا را از آن که حج انجام نمی‌دهد، دفع می‌کند و اگر همگان حج را ترک کنند، هلاک می‌شوند و این است گفتار خدای - عز و جل - که: اگر خداوند، بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، زمین را فساد فرا می‌گرفت؛ ولی خداوند نسبت به جهانیان، لطف و احسان دارد. (بقره: ۲۵۱). به خدا سوگند این آیه، جز درباره شما نازل نگشته است، و دیگری جز شما از آن مقصود نیست!»

۴. ترک حج، گناهی بزرگ و موجب فسق است

از دیدگاه روایات، حج از جنبه فردی، مایه پاک‌سازی گناهان حج‌گزار است: «إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى إِلَهُ الْإِيمَانِ بِهِ وَرَسُولُهُ... وَحَجُّ الْبَيْتِ وَاعْتِمَارُهُ فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَيَرْحَضَانِ الذَّنْبَ» (سید رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۱۰، ص ۱۶۳).

اما ترک حج، از گناهان بزرگی است که وعده عذاب برای آن داده شده و مطابق فتوای علما و بزرگان شیعه، چنین کسی خارج از عدالت و از زمره فاسقان شمرده شده است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳، ص ۳۱۵؛ عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۸، صص ۲۹۸-۲۹۷).

آثار اخروی ترک حج

در آیات و روایات، برای ترک عمدی حج، علاوه بر آثار و پیامدهای دنیوی، وعده عقوبت و پیامدهای سخت اخروی نیز داده شده است؛ طوری که شخص معتقد و باورمند به قیامت، این واجب را به دلیل امور مادی یا شبهات بی‌پایه و اساسی که از ناحیه خائن، دشمنان یا افراد جاهل مطرح می‌شود، ترک نخواهد کرد و توجه و اهتمام ویژه‌ای

برای انجام آن خواهد داشت و خواهد کوشید از عقوبت‌هایی که برای انسان مؤمن قابل تصور نیست، در امان بماند. برخی از پیامدهای اخروی ترک حج، عبارت است از:

۱. قرار گرفتن در صف کفار

در روایتی از پیامبر خدا ﷺ نقل شده که فرمودند:

«يَا عَلِيُّ كَفَرَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ عَشْرَةٌ ... وَمَنْ وَجَدَ سَعَةً فَمَاتَ وَلَمْ يُحِجَّ يَا عَلِيُّ تَارِكُ الْحَجِّ وَهُوَ مُسْتَطِيعٌ كَافِرٌ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾» (آل عمران: ۹۷)؛ (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۳۱).

«یا علی، از این امت، ده طایفه به خدای عظیم کافر شده‌اند؛ ... و کسی که با داشتن ثروت، حج انجام ندهد و بمیرد. ای علی، کسی که مستطیع است و حج را ترک کند کافر است. خداوند می‌فرماید: و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند؛ آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند و هر کس کفر ورزد (و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده)، خداوند از همه جهانیان، بی‌نیاز است.»

آیه شریفه ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران: ۹۷)، که در روایت بالا نیز به آن استناد شده است، حج را بر کسانی که توانایی انجام دادن آن را داشته باشند، واجب دانسته و آن را از حقوق الهی بر مردم شمرده است. از همین رو، هر شخص مستطیع که حج را ترک کند، دستور واجبی از احکام شریعت را وانهاده است (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۴۸؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۸).

این آیه شریفه، از ترک حج، به «کفر» تعبیر کرده و با لحن ﴿وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾، غضب و خشم خود را از تارکان حج بیان فرموده است. تعبیر «مَنْ كَفَرَ» در این آیه، نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه ویژه حج و بزرگ بودن گناه ترک حج نزد خداوند است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۱۰۳) چنین کسی فاسقی است که به یکی از واجبات خدا کفر ورزیده (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۲۰۲) و مراد از کفر در این

آیه، کفر ترک اوامر الهی و کفر عملی به فروع دین است که برای تأکید مذموم بودن ترک، از آن به کفر تعبیر شده (همان، ج ۳، ص ۳۵۵)؛ البته نه کفر اعتقادی که موجب خروج از دین باشد.

پس معنای آیه این می شود که تارک حج، عملاً در صف کفار قرار می گیرد، نه اینکه واقعاً از کفار شمرده شود؛ ولی اگر کسی اصل ضرورت حج را انکار کند و آن را به عنوان یکی از احکام ضروری دین قبول نداشته باشد یا بی مبالاتی او در انجام حج، به انکار ضروری دین بیانجامد، چنین کسی حقیقتاً کافر خواهد بود (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۲ق، ص ۶۹۹).

امام کاظم علیه السلام، درباره کسی که منکر اصل حج شود، فرموده است:
 «إِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - فَرَضَ الْحَجَّ عَلَى أَهْلِ الْجِدَّةِ... قَالَ قُلْتُ: فَمَنْ لَمْ يَحْجَّ مِنْهَا فَقَدْ كَفَرَ قَالَ لَا وَ لَكِنْ مَنْ قَالَ لَيْسَ هَذَا هَكَذَا فَقَدْ كَفَرَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۶۵).

«خداوند حج را بر ثروتمند (کسی که مستطیع است)، واجب کرد... راوی گوید: از آن حضرت پرسیدم: اگر کسی از ما مسلمانان حج نگذارد، کافر است؟ فرمود: «نه، اما اگر کسی بگوید مراسم حج این طور نیست، کافر می شود.»

۲. یهودی یا مسیحی محشور شدن

از عواقب سوء ترک حج، این است که: اگر حج بر کسی واجب باشد و مانع و عذری هم برای انجام دادن آن وجود نداشته باشد و در عین حال، از انجام دادن این واجب الهی سر باز زند، چنین شخصی مسلمان از دنیا نخواهد رفت و در قیامت، یهودی یا نصرانی محشور خواهد شد. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در وصیتی طولانی به امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

«يَا عَلِيُّ أَوْصِيكَ بِوَصِيَّةٍ فَاحْفَظْهَا فَلَا تَزَالُ بِخَيْرٍ مَا حَفِظْتَ وَصِيَّتِي... يَا عَلِيُّ مَنْ سَوَّفَ الْحَجَّ حَتَّى يَمُوتَ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۶۸).

«ای علی، تو را به وصیتی توصیه می کنم. پس آن را محفوظ همی دار؛ زیرا تا هر زمان که وصیت مرا محفوظ بداری، از خیر برخورداری... ای علی، هر کس

حج را آن قدر تأخیر بیندازد تا مرگش فرا رسد، خداوند در روز قیامت او را یهودی یا نصرانی محشور گرداند.»

در روایت دیگری از امام صادق (ع) نیز نقل شده است:

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَحْجِ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ لَمْ تَمْنَعُهُ مِنْ ذَلِكَ حَاجَةٌ تُجْحِفُ بِهِ أَوْ مَرَضٌ لَا يُطِيقُ فِيهِ الْحَجَّ أَوْ سُلْطَانٌ يَمْنَعُهُ فَلَيْمَتْ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۶۸).

«هر آنکس که بمیرد و استطاعت یافته باشد و حجة الاسلام (حج واجب) را به جا نیاورده باشد و این ممانعت از ناحیه تنگناهای سنگین و سختی‌های فوق‌العاده یا بیماری‌های صعب‌العلاج و تحمل‌ناپذیر یا ممانعت حکومت نباشد، این فرد به آیین یهود یا مسیحیت از دنیا رفته است.»

اینکه فرموده‌اند: چنین کسی یهودی یا مسیحی از دنیا می‌رود، شاید به این دلیل باشد که عباداتی مانند نماز، روزه، اعتکاف، قربانی و نذر در ادیان دیگر وجود داشته و اکنون نیز وجود دارد؛ اما حج گرچه پیش‌تر در آیین یهود بوده و حضرت موسی نیز حج انجام داده (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۳۸۵؛ همان، ج ۹، ص ۵۴)، لیکن یهودیان و پیروان موسی (ع) از سنت پیامبرشان پیروی نکردند و حج را تحریف نمودند؛ از این رو است که در حال حاضر، حج از دیدگاه یهودیان واجب نیست و از ارکان عبادات آنها شمرده نمی‌شود و اعمالی که هر یک از فرقه‌های آنان به اسم حج انجام می‌دهند، بیشتر به عمره مسلمانان شباهت دارد (آل مرتضی مؤمن، ۱۴۲۲ق، ص ۹۳).

مسیحیان نیز مانند یهود، از سنت‌های الهی و راه انبیا منحرف شدند و تعالیم پیامبر خود را نادیده گرفتند و آموزه‌های شریعت را در حجاب‌های تحریف و کتمان پنهان ساختند و از آن میان، حج را نیز به گونه‌ای تعریف کردند (همان، ص ۱۱۹).

بنابراین، مسلمانی که به بهانه‌های واهی حج را ترک گوید یا برای انجام آن، بر اساس خواسته‌های نفسانی عمل کند، همانند یهود و نصارا عمل کرده است و در زمره آنان قرار خواهد گرفت.

۳. محروم شدن از شفاعت پیامبر ﷺ

امام علی (ع) از پیامبر خدا ﷺ نقل می کنند که آن حضرت فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ الْحَجَّ عَلَى مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا، وَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ، فَلَيْمَتْ عَلَى أَيِّ حَالٍ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا أَوْ مُجُوسِيًّا، إِلَّا أَنْ يَكُونَ بِهِ مَرَضٌ أَوْ مَنَعٌ مِنْ سُلْطَانٍ جَائِرٍ، أَلَا لَا نَصِيبَ لَهُ مِنْ شَفَاعَتِي، وَلَا يَرُدُّ حَوْضِي، أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ»
(سمرقندی، ۱۴۲۱ق، ص ۵۵۴)

«ای مردم، خداوند حج را بر کسی که قدرت و راهی بر آن داشته باشد، واجب ساخت و هر کس [حج واجبش را] انجام ندهد، به هر حالی که می خواهد، بمیرد؛ یهودی، مسیحی یا مجوس؛ مگر آنکه بیماری ای داشته باشد که نگذارد یا حاکم ستمگری مانع شود. آگاه باشد که او از شفاعت من، بهره ای ندارد و بر حوض من وارد نمی شود. هشدار! آیا رساندم؟»

بر اساس این روایت، از دیگر تبعات ترک عمدی و بدون عذر حج، این است که شخص از شفاعت پیامبر ﷺ محروم خواهد بود و بر حوض کوثر راه نمی یابد.

۴. کور محشور شدن در قیامت

از دیگر عواقب ترک حج، این است که شخص در قیامت کور محشور می شود. از معاویه بن عمار روایت شده که گفت:

«سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ رَجُلٍ لَمْ يَحْجِ قَطُّ وَلَهُ مَالٌ، فَقَالَ: هُوَ مِمَّنْ قَالَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» فَقُلْتُ سُبْحَانَ اللَّهِ أَعْمَى، فَقَالَ: أَعْمَاهُ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - عَنْ طَرِيقِ الْخَيْرِ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۴۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۲۷).

«از امام صادق (ع) در باره مردی پرسیدم که هرگز حج به جا نیاورده بود؛ در حالی که ثروتمند بود. پس امام (ع) فرمود: او از کسانی است که خدای - عزوجل - درباره ایشان گفته است: و ما روز قیامت او را کور محشور می کنیم. پس گفتم: سبحان الله، کور؟! امام فرمود: «خدای - عزوجل - او را از پویندن راه خیر، کور کرده است.»

محمد بن فضیل می گوید: از امام کاظم (ع) درباره مقصود از این آیه سؤال کردم و حضرت فرمودند:

«فَقَالَ نَزَلَتْ فِيْمَنْ سَوَّفَ الْحُجَّ حَبَّةَ الْإِسْلَامِ وَ عِنْدَهُ مَا يَحُجُّ بِهِ فَقَالَ الْعَامَ أَحُجُّ الْعَامَ أَحُجُّ حَتَّى يَمُوتَ قَبْلَ أَنْ يَحُجَّ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۴۷).

مقصود، کسی است که حج واجب خود را با امروز و فردا کردن، به تأخیر می اندازد، تا اینکه مرگش فرا می رسد.

مراد از کوری در آخرت، کوری چشم نیست؛ بلکه نداشتن بصیرت و دیده باطنی است؛ چنان که مقصود از کوری در دنیا هم همین است؛ یعنی گمراهی و بی بصیرتی و در روایتی از امام صادق (ع) مقصود از کوری در دنیا، کوری و بی معرفتی به واجبی از واجبات خدا بیان شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۳، ص ۱۶۹). به تعبیر دیگر، افرادی که حج را ترک می کنند، نه در این دنیا راه هدایت را پیدا می کنند و نه در آخرت راه بهشت و سعادت را؛ زیرا چشمشان را به روی همه واقعیات بستند و خود را از دیدن چهره حق و آیات خداوند و آنچه مایه هدایت و عبرت است و آن همه مواهبی که خدا به آنها بخشیده بود، محروم ساختند و از آنجا که سرای آخرت، بازتاب و انعکاس عظیمی از این جهان است، چه جای تعجب که این کوردلان، به صورت ناینایان وارد عرصه محشر شوند!

۵. زیان کاری

آیه شریفه ﴿هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا﴾ (کهف: ۱۰۳)، به معرفی زیان کارترین انسان ها و بدبخت ترین افراد بشر می پردازد و می فرماید: زیان کارترین مردم کسانی هستند که کوشش هایشان در زندگی دنیا گم و نابود شده؛ با این حال گمان می کنند کار نیک انجام می دهند! ﴿الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يُحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾.

درباره مصداق زیان کارترین افراد در این آیه، چند احتمال مطرح شده است؛ مانند: کافران اهل کتاب یعنی یهود و نصارا (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۶، ص ۷۶۷)، اهل شبهات و پیروی از خواهش ها و امیال نفسانی از مسلمانان، خوارج و اهل بدعت (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۶).

امام کاظم علیه السلام کسی را که انجام حج واجب را به تأخیر اندازد و آن را به آینده واگذارد؛ از مصداق‌های این آیه شریفه و زیان‌کارترین انسان‌ها معرفی می‌کند:

«عَنِ الْكَاظمِ علیه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى ﴿هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا﴾ إِنَّهُمْ الَّذِينَ يَتَمَادُونَ بِحَجِّ الْإِسْلَامِ وَيُسَوِّفُونَهُ» (ابن ابی جمهور، ج ۲، ص ۸۶).

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت و جایگاه فریضه حج در منظومه معارف و تکالیف اسلامی، هر مسلمان مؤمن و دغدغه‌مند، لازم است که به انجام این فریضه اهتمام بورزد و متأثر از شبهات یا به دلیل منافع مادی و دنیوی، در ادای آن سهل‌انگاری نکند؛ زیرا این امر آثار و تبعات سوء و خطرناک دنیوی در پی دارد، مانند: «محرومیت از اعمال خیر»، «بی‌حاصلی کارهای دنیوی»، «دست نیافتن به خواسته‌های مشروع»، «خروج از عدالت»، «در صف فاسقان و غیر صالحان قرار گرفتن» و...

همچنین موجب می‌شود که انسان در آخرت و در روز قیامت، در صف کفار و یهود یا مسیحیان قرار گیرد و از شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله محروم شود و در قیامت کور و نابینا محسور شده، از زیان‌کاران به شمار آید.

در پایان، توجه به این نکته لازم است که مؤمنان باید دقت کنند و تحت تأثیر شبهات و القائات شیطانی قرار نگیرند و خود نیز ترویج دهنده این فکر باطل نباشند و دیگران را از انجام حج منع نکنند.

در برخی روایات، عذاب سوء و هلاکتی که به تارک حج وعده داده شده، برای کسانی است که باعث انصراف دیگران از حج شوند و نیز بیان شده که حتی در برخی روایات آمده است: در مقام مشورت هم جایز نیست که دیگران را از حج منصرف کرد.

«قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِنَّ رَجُلًا اسْتَشَارَنِي فِي الْحُجِّ وَكَانَ ضَعِيفَ الْحَالِ فَأَشَرْتُ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَحُجَّ فَقَالَ مَا أَخْلَقَكَ أَنْ تَمْرَضَ سَنَةً قَالَ فَمَرَضْتُ سَنَةً» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۷۱).

«راوی گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی درباره حج با من مشورت کرد و او ضعیف الحال بود. به وی گفتم که به حج نرود. امام علیه السلام فرمود: حَقًّا که سزاواری تا یک سال بیمار شوی (به کیفر این راهنمایی‌ات) و من یک سال بیمار شدم.»

امام صادق علیه السلام همچنین در روایت دیگری، از مانع شدن دیگران از انجام حج، به شدت نهی نموده و آن را باعث رسوایی در دنیا و عذاب در آخرت می‌داند و می‌فرماید:

«لِيَحْذَرُ أَحَدُكُمْ أَنْ يُعَوِّقَ أَخَاهُ عَنِ الْحُجِّ فَتُصِيبَهُ فِتْنَةٌ فِي دُنْيَاهُ مَعَ مَا يُدْخِرُ لَهُ فِي الْآخِرَةِ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۲۱).

«هر یک از شما باید از بازداشتن و مانع شدن برادر هم‌کیش خود از انجام حج حذر کند؛ زیرا این کار او را در دنیا دستخوش تباهی و فزایشت سازد؛ علاوه بر عذابی که در آخرت برای او می‌اندوزد.»

منابع

- *. قرآن کریم.
۱. آل مرتضی مؤمن، ماجده (۱۴۲۲ق)، الحج عبر الحضارات و الأمم دراسة مقارنة بين الحج في الاسلام وطقوس الديانات الاخرى، تهران، دارمشر.
 ۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق)، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، مصحح: مجتبی عراقی، قم، دار سید الشهداء للنشر، اول.
 ۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیة قم، دوم.
 ۴. برقی، احمد بن محمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق)، الخصال، مصحح: جلال الدین محدث، قم، دارالکتب الإسلامیة، دوم.
 ۵. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول.
 ۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، تصحیح: صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالقلم.

٧. سمرقندی، ابواللیث نصر بن محمد بن احمد بن ابراهيم (١٤٢١ق)، تنبيه الغافلين بأحاديث سيد الأنبياء والمرسلين للسمرقندی، حققه وعلّق عليه: يوسف على بدوي، بيروت، دار ابن كثير.
٨. سيد رضى، محمد بن حسين (١٤١٤ق)، نهج البلاغه، مصحح: صبحى صالح، قم، هجرت.
٩. طباطبائي يزدي، سيد محمد كاظم (١٤٢٢ق)، العروة الوثقى، تعليقه: امام خميني، تهران، مؤسسة تنظيم و نشر آثار امام خميني.
١٠. طباطبائي، سيد محمد حسين (١٣٩٠ق)، الميزان فى تفسير القرآن، بيروت، مؤسسة الأعلمى للمطبوعات.
١١. طبرسى، فضل بن حسن (١٣٧٢ش)، مجمع البيان فى تفسير القرآن، مصحح: فضل الله يزدي طباطبائي، تهران، ناصر خسرو.
١٢. طوسى، محمد بن الحسن (١٤٠٧ق)، تهذيب الأحكام، مصحح: حسن الموسوى خراسان، تهران، دار الكتب الإسلامية.
١٣. طيب، سيد عبد الحسين (١٣٧٨ش)، اطيّب البيان فى تفسير القرآن، تهران، اسلام.
١٤. عاملى، سيد محمد جواد (١٤١٩ق)، مفتاح الكرامة فى شرح القواعد العلامة، تصحيح: محمد باقر خالصى، قم، جامعه مدرسين.
١٥. قمى، على بن ابراهيم (١٤٠٤ق)، تفسير القمى، مصحح: طيّب موسى جزائرى، قم، دار الكتاب.
١٦. كلينى، محمد بن يعقوب (١٤٠٧ق)، الكافى، محقق و مصحح: على اكبر غفارى و محمد آخوندى، تهران، دار الكتب الإسلامية، چاپ چهارم.
١٧. مجلسى، محمد باقر (١٤٠٤ق)، مرآة العقول، مصحح: سيد هاشم رسولى محلاتى، تهران، دار الكتب الإسلامية.
١٨. نجفى، محمد حسن (١٤٠٤ق)، جواهر الكلام فى شرح شرايع الاسلام، تصحيح: عباس قوجانى، بيروت، دار احياء التراث العربى.